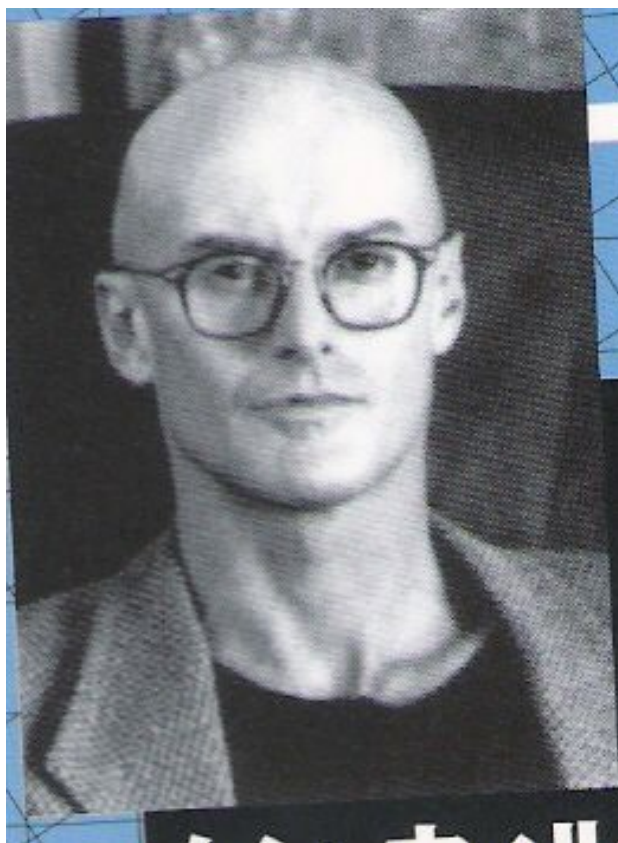


کن ویلبر

نگارش جمشید جمشیدی



کن ویلبر (Ken Wilber) در سال 1949 در شهر اکلوهما متولد شد. وی به خاطر پدرش که کارمند نیروی هوایی ارتش آمریکا بود و مجبور به مأموریت در شهرهای دیگر میشد تحصیلات دبیرستانی خود را در لینکلن و نیراسکا گذراند. کن برای تحصیل در رشته پزشکی وارد دانشگاه دوک می شود ولی در همان سال اول علاقه خود را در این رشته از دست میدهد. پس از مدتی که در رشته روانشناسی و فلسفه خاور و باختر به مطالعه می پردازد به نیراسکا بر می گردد و این بار در رشته بیوشیمی به تحصیل می پردازد. بعد از توفیق به دریافت گواهی فارغ التحصیلی در این رشته، تصمیم می گیرد بقیه عمر خود را به مطالعه و تألیف کتاب های مورد علاقه خود تخصیص دهد. (کن اولین کتاب خود را بنام "طیف شعور" در سن بیست و سه سالگی شروع بنوشتن

میکند که عاقبت این کتاب با بیش از 600 صفحه و متنی بسیار وزین در سال 1977 به انتشار در می آید). بعد از آن با مطالعه و شرکت فعال در تمرین های تعمقی، کتاب های بی شماری را منتشر میکند. او در سال 1983 با "تری" (Terry) ازدواج میکند که متأسفانه همسرش به علت ابتلاء به سرطان پنج سال بعد فوت میکند. کن با وجود تحمل فشارهای روحی زیاد بعد از فوت "تری" از مطالعه و نوشتن خسته نمی شود. تا به حال نوزده کتاب منتشر کرده است که به بیش از بیست و پنج زبان عمده دنیا ترجمه شده اند. او به عنوان نویسنده ای که دارای بیشترین کتاب ترجمه شده در آمریکا می باشد معروف است. نگارش مفصل کتاب وی بنام تریلژی کاینات (Kosmos Trilogy) هم اکنون نیز ادامه دارد. ویلبر به خاطر نبوغ پویایی منحصر بفردش مخصوصاً در عرصه مطالعات روحانیت و شعور اغلب به "آینشتاین شعور" ملقب می شود. تعدادی از دانشگاه های آمریکا از جمله دانشگاه نارووا، جان اف کندی و دانشگاه ایالتی نیویورک با الهام از نظریه های ویلبر دوره های آکادمیک مطالعات روانشناختی انتگرال را تاسیس کرده اند. کن در بسط نظریه روانشناختی انتگرال تلاش میکند تا خاور و باختر را تلفیق کرده و بالاخره مخاطب را قانع کند که در کاینات هیچ چیز بی ثمری وجود نداشته و در نتیجه هیچ چیز نباید حذف شود زیرا "همه ذرات هستی با خدای خویش پیوسته است". علاوه بر کتاب ها، بیش از هفتاد تارنمای اینترنتی در رابطه با کن ویلبر برای مطالعه افکار و

فعالیت های وی در دسترس می باشد. در زیر با معرفی نام کتاب های وی، به چند سایت مربوطه نیز اشاره میکنم:

- | | |
|--|--|
| 1. Spectrum of Consciousness (1977) | 10. Grace and Grit(1991) |
| 2. No Boundary (1979) | 11. Sex, Ecology, Spirituality (1995) |
| 3. The Atman Project (1880) | 12. A Brief History of Everything (1996) |
| 4. Up from Eden (1981) | 13. The Eye of Spirit (1997) |
| 5. The Holographic Paradigm (1982) | 14. Marriage of Sense and Soul (1998) |
| 6. A Sociable God (1982) | 15. One Taste (1999) |
| 7. Quantum Questions (1984) | 16. Integral Psychology (2000) |
| 8. Spiritual Choices (1987) | 17. . A theory of Everything (2000) |
| 9. Transformations of Consciousness (1987) | 18. Boomeritis (2000) |
| 19. The Collected Works of Ken Wilbe (2001-2002)- I, II, III, IV, V, VI, VII, VIII | |
| 20. The Simple Feeling of Being(2004) | |

تارنما ها:

<http://www.worldofkenwilber.com> <http://wilber.shambhala.com/> <http://integralnaked.org>

کن ویلبر پس از مطالعه وسیع در تحقیقات بیش از صد پژوهشگر خاوری و باختری در خلق الگوی منحصر بفرده خود که دیدگاه انتگرال(تلفیقی، فراگیر، هم آهنگ کننده، همه جانبه) بیان ساده آنست توفیق حاصل میکند.

نتیجه آثار پژوهشگران بسیاری را میتوان در کتاب **روانشناختی انتگرال¹** او به اختصار مطالعه کرد. ما برای نمونه موضوع تحقیقات تعدادی از این پژوهشگران را در اینجا میاوریم تا سیر تکوین دیدگاه ویلبر بهتر درک شود.

نام پژوهشگر	موضوع پژوهش	سوال مطرح
پیاژه ² ، کگان ³	شناخت	میزان آگاهی من؟
لاوینگر ⁴	خود	من کیستم؟
گریوز ⁵	ارزش	چه چیزی برای من با ارزشست؟
کولبرگ ⁶	اخلاق	چه باید کرد؟
سل من ⁷ ، پری ⁸	مناسبات بینافردی	ما چگونه باید با هم بسازیم؟
فولر ⁹	معنوی، روحانی	نهایت موجودیت چیست؟

¹ Integral Psychology(2000)

² Jean Piaget

³ Robert Kegan

⁴ Jane Loevinger

⁵ Graves, C.

⁶ Lawrence Kohlberg

⁷ Selman, R.

⁸ Perry

⁹ Fowler

نام پژوهشگر	موضوع پژوهش	سوال مطرح
گلمن ¹⁰	احساسات	احساس من نسبت به این چیست؟
هوسن ¹¹	زیبا شناسی	چه چیزی برای من جذابیت دارد؟
مازلو ¹²	نیاز	به چه چیزی نیاز دارم؟
گاردنر ¹³	چگونگی حرکات بدنی	چگونه باید انجام داد(از طریق بدن)؟

با وجود اینکه ویلبر در کتاب های خود به کارهای این پژوهشگران با وفور بیشتری استناد میکند او در جمع بندی های خود از نتایج کاوش های محققین بیشماری بهره میگیرد. ویلبر هر یک از این موضوعات پژوهشی را یک **خط** یا **جویبار** شعوری می نامد. علاوه بر خطوط یا جویبار های نمونه ای که در بالا ذکر آن رفت، میتوان از ده ها خط دیگر از جمله خطوط موسیقی، عواطف و انگیزه ها، وظیفه، توانائی های منطقی- ریاضی، مهارت های زبانی و فنون ارتباطی، روان شناختی- جنسی و غیره نام برد.

ویلبر به دو فرآیند بسیار مهم و مشترک در بین تحقیقات مذکور دست می یابد.

1. در حله اول ویلبر در می یابد که اکثر خطوط یا جویبارهای شعوری مستقلا رشد یافته بوده و آن هم از یک روند **مرحله مند** یا تسلسل سطوحی تبعیت میکنند. یک سیر پیشرفت از سطح تحتانی یا نازل تا به سطح فراز و عالی در تمام زمینه ها مشاهده میشود. نمونه ساده آن؛ اتم ها به ملکول، ملکول ها به سلول، سلول ها به نسج(مثل نسج پوست، یا مخاط معده و غیره)، نسج به اندام (مثل عضو قلب، مغز و غیره)، اندام ها به دستگاه(بمانند دستگاه گردش خون یا دستگاه گوارشی و غیره)، دستگاه ها به انسان، انسان ها به اجتماع(بمانند یک ملت، یک کشور یا یک منطقه و غیره) و الی آخر تا بینهایت سیر تکاملی ادامه می یابد. در هر خط شعوری بمانند مثال ساده اتم ها، سلول ها و... سطح فرادست(بالائی که پیچده تر است) سطح فرودست(پائینی که نسبتا ساده تر است) را در خود شامل دارد. به عبارتی هر سطح در یک تکامل طبیعی به سطح بالاتر، سطح حاضر خود را نباید حذف یا انکار بکند، بلکه آنرا در آغوش گرفته ولی نه محبوس در آن، بلکه به فرای آن قدم بگذارد. خطوط یا جویبارهای شعوری در عین اینکه مستقلا رشد میکنند ولی نسبت به هم بی تاثیر نیستند. ویلبر بر این باور است که خط شناخت(جدول 2). کوادرنت دست چپ فوقانی) میتواند بسیاری از خطوط دیگر شعور را تحت شعاع قرار دهد. سیر تکاملی سطوح در جویبارهای مختلف مشترکا از اصولی پیروی میکنند که ویلبر با عنوان "اصول بیستگانه" در کتاب "سکس، اکولوژی و روحانیت"¹⁴ به شرح مفصل آنها می پردازد. خوانندگان مشتاق میتوانند اصول بیستگانه تکامل را تحت عنوان "الگوئی که پیوند میدهد" در برگردان فارسی آن در همین منزلگاه مطالعه کنند.

ویلبر در "روانشناختی انتگرال" خود با مهارت و زیبایی قابل توجه ای مبحث ارتقاء روحانی را بروشی علمی و قانع کننده، عاری از متافیزیک (ماوراء طبیعی) دنبال میکند. او سیر تکامل

¹⁰ Golman

¹¹ Housen

¹² Abraham Maslow

¹³ Gardner

¹⁴ Sex, Echology, Spirituality(1995)

شعور را در راستای سلسله مراتب رشد یابنده جسم- تن- ذهن- روح- ذات(اسپیریت) توضیح میدهد. هر سطح با شامل کردن سطح قبلی در خود به فرای آن که سطح عالی تری است تحول می یابد. بالاخره ذات(اسپیریت) است که تمام سطوح پائینی را در درون خود حفظ میکند تا ذات حقیقی(مطلق) بشود. ویلبر نشان میدهد که چگونه تکامل همزمانی تمام عناصر شعور از سطح نازل(زمخت) تا به سطح فرازین(ظریف و ظریفتر و بالاخره خدائی) آن بدون شکاف در وابستگی ها و پیوستگی های بین آنها میتواند بوقوع به پیوندد.

مشتاقان میتوانند برگردان فارسی " خلاصه روانشناختی انتگرال...." او را در همین پایگاه مطالعه کنند.

(ویلبر گشایش و ارتقاع درک خود را در کشف حقایق فازبندی کرده است: دسترسی به اصل مرحله مندی ارتقاع شعور فاز 2 ویلبر، الحاق خطوط یا جویبارها به الگوی او فاز 3 ویلبر نامیده میشوند).¹⁵

2. و اما دست آورد دیگر ویلبر در راه یابی به حقایق(نسبی و مطلق)؟ ویلبر به این نتیجه میرسد که میتوان حاصل تحقیقات تمام پژوهشگران را در چهار قلمروی اصلی یا کلان تقسیم بندی کرد. او تحقیقات وسیع را به چهار حوزه درونی فردی(نیتی = در زبان "من")، برونی فردی(ساختار جسمانی، رفتاری= در زبان "آن") و درونی جمعی(فرهنگ= در زبان "ما") و برونی جمعی(اجتماع= سازمان های مدنی، زیربناهای اقتصادی و فن آوری، قوانین= در زبان "آنها") منتسب میکند(ویلبر فاز 4)(جدول 1،4).

جدول 1. چهار کوادرننت

	کوادرانت دست چپ (باطنی)	کوادرانت دست راست (ظاهری)
مفردی	من(ذهنی) (نیتی- هنر- زیبایی)	آن(عینی) (کرداری- علم- واقعیت)
جمعی	ما(بیناذهنی) (فرهنگ- اخلاق- خوب)	آن ها(بیناعینی) (اجتماع- نظریه سیستم ها- قانون)

هیچ واقعیت عینی(برونی) و ذهنی(درونی) در کاینات وجود ندارد که خارج از این چارچوب باشد. در حالیکه این چهار حوزه(چهار کوادرننت من، ما، آن و آنها) در ارتباط ناگسستگی با هم تغییر و تحول می یابند کاملاً قابل تفکیک و تشخیص نیز می باشند. تفکیک پذیر بودن قلمروها

15- ویلبر فاز 1 در کتاب های "طیف شعور" و "بی مرز" خودنمایی میکند. در این زمان ویلبر خود را زمان یونگ- شیفتگی بشمار می آورد. در این فاز ویلبر گرایش به بی مرزی، بی آلابشی و یگانگی را برگشت به دوران آینه مانند و پاکی کودکی میدانسته است. او بعداً فاز 1 خود را منتفی میدانند.

ضمنا حامل این پیام نیز هستند که هر قلمرو مستلزم به کار گرفتن ابزارهای راهبردی (متدولژی) و ارزیابی (اعتبارمندی) ویژه خود هستند. التقات کردن این ابزارها و یا بکارنرفتن مناسب آنها در جای خودشان سبب تقلیل گرائی میشود که خواه ناخواه ما را گرفتار معضلات شخصی و اجتماعی میکند. قلمروی "من" و "ما" گو اینکه در رابطه انکار ناپذیر هستند دارای قانونمندی های ویژه خود هستند که باید درجای خودشان با ابزارهای مناسب بررسی و ارزیابی بشوند. جدول 2 روش های رایج جهت ارزیابی اعتبارمندی ادعاهای هر قلمرو را ارائه میکند.

جدول 2. روش شناسی و اعتبارمندی در چهار کوادرننت

اعتبارمندی	روش شناسی	اعتبارمندی	روش شناسی
(من)	(من)	(آن)	(آن)
حقیقی، صداقت، انجسام، قابل اعتماد	پدیدارشناسی، روانکاوی، ساختارگرائی، ریاضیات	واقعیت عینی، تناظری، تمثیلی، قیاسی	علوم تجربی (امپریکال) (فیزیک، شیمی، بیولوژی و غیره)، روان شناسی رفتاری
(ما)	(ما)	(آن ها)	(آن ها)
عادلانہ، تطبیق فرهنگی، تفاهم متقابل، درستی	پدیدار شناسی فرهنگی، مردم شناسی فرهنگی، ساختارگرائی فرهنگی، علم تأویل	تطبیق عملی، عمل گرائی ساختاری، شبکه نظام اجتماعی	علوم اجتماعی، اقتصاد، بافت نظریه سیستمی، نظریه سیستم ها

ویلبر معتقد است که باید دانشمندان، خبرگان و عالمان را در جای جای خودشان شناخته، به آنها ارج نمود و در عین حال ما را از النقاط قلمرو فعالیت آنها و انواع تقلیل گرائی برحذر میدارد. برای نمونه به جدول 3 که به گروهی از شخصیت های پرآوازه و مشهور اشاره شده است توجه کنید.

و بالاخره، در درون این چهار حوزه تمام خطوط، و تمام سطوح رشد یابنده جای گزین هستند. یا به عبارت دیگری در تمام خطوط و سطوح رشد یابنده این چهار وجه فعالیت دارند. هیچ خط یا سطح رشد یابنده نیست که ناگزیر از تاثیر این چهار حوزه نباشد. به عبارتی تمام ذرات هستی با هم در ارتباط و پیوستگی اند.

جدول 4. توسعه مرحله مند یک جوئیبار (خط) شعوری را در هر یک از چهار کوادرننت نشان میدهد. ویلبر مدل انتگرال خود را به AQAL¹⁶ (تمام کوادرننت ها، تمام سطوح) نام گذاری کرده و هر پژوهشی که این چهار وجه را همزمان در مد نظر داشته باشد از نوع فراگیر و انتگرال میداند؛ و آن از معنای بیشتر برخوردار خواهد بود.

¹⁶ All Quadrants All Levels

جدول 3.

ذهنی	عینی
(من)	(آن)
Freud, فروید	B.F. Skinner, اسکینر
C.G. Jung, یونگ	John Watson, واتسون
Piaget, پیاژه	John Locke, لاک
Aurobindo, آنوریندو	
Plotinus, پلوتن	
Gautama Buddha بودا	
(ما)	(آن ها)
Thomas Kuhn, کون	Talcott Parsons, پارسون
Wilhelm Dilthey, دیلتی	Auguste Comte, آگوست کومته
Jean Geser, گبسر	Karl Marx, مارکس
Max Weber, وبر	Gerhard Lenski, لنسکی
Hans-Georg Gadamer گادامر	

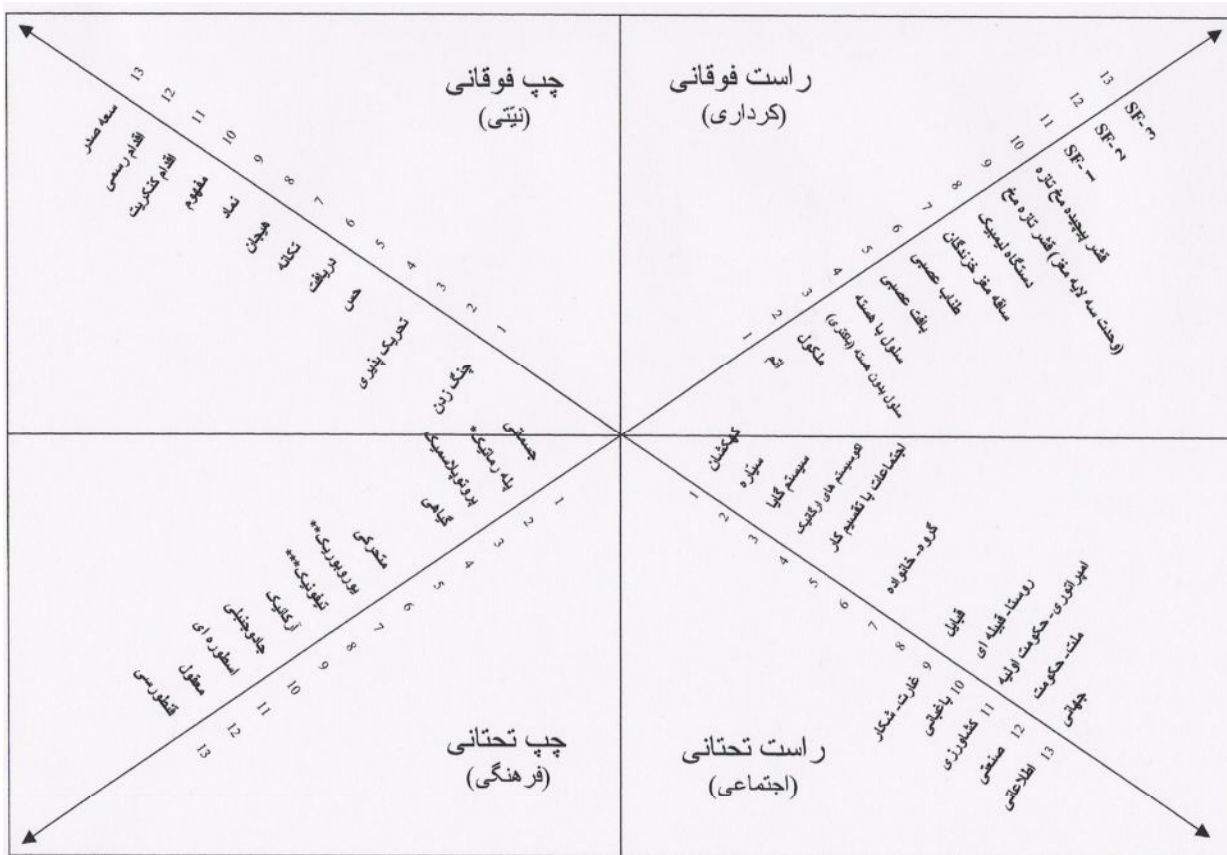
بنابراین هر پژوهش و یا جنبشی چه عینی و چه ذهنی که در چارچوب فرمول این چهار وجه (AQUAL) که ضمنا ابعاد واقعیت های کایناتی هستند عمل نکند خصلت یک سویه، منحرف و گسستی را بخود اختصاص خواهد داد. پیشرفت علم و فن آوری و اقتصاد (بعد برونی یا عینی کاینات) بدون لحاظ کردن واقعیت های فرهنگی و نیات آحاد مردم (بعد درونی و معنوی کاینات) جامعه را با نابسامانی و آشوفتگی های عدیده مواجه خواهد کرد و غیره.

ویلبر با بهره گیری از این مدل راهنما چگونگی عملکرد یک پندار انتگرال را در زمینه های مختلف از جمله طب و طبابت، سیاست و دیپلوماسی، آموزش و پرورش، هنر، زیباشناسی، فرهنگ، مذهب و غیره به بحث میکشد، که میتوان آنرا در کتاب های دیگر او از جمله "یک تنوری برای همه چیز"¹⁷ مفصلا مطالعه نمود.

ویلبر در کتاب "ازدواج حس با روح"¹⁸ با روش شناسی انتگرال خود به مساله دین می پردازد و با توصیف سطوح باورهای دینی امکان همسازی و تلفیق دین را با علم یا پیوند زمین و آسمان، یا گیتی گرائی (secularity) و روحانیت (spirituality) را بطرز زیبایی ترسیم میکند.

¹⁷ A Theory of Everything

¹⁸ Marriage of Sense and Soul(1998)



جدول 4. چهار کوادرننت. در هر کوادرننتی برای نمونه یک خط(جویبار) با سطوح توسعه یافته آن آورده شده است. هر سطح در هر کوادرننت با سطح متناظر تکاملی خود در کوادرننت های دیگر مشاهده می شود. (* پله روماتیک(pleromatic): ناتوان از تفکیک خود با عالم خارج است. (** یوروپوریک: تشبیه به خصلت ماری (uroboros) است که دم خود را می خورد. (***) تیفونیک(typhonic): به مانند طوفان بی اعتناء به زمان و مکان در لحظه اکنون عمل می کند.

= SF:structure- function ساختار- فونکسیون